

Living the LOTUS

1
2014

Buddhism in Everyday Life VOL. 100

FOUNDER'S
ESSAY

فقط یکبار زندگی می‌کنید

غرض از عنوان زیستن همچون نیلوفر - آیین بودا در زندگی روزمره این است که آرزوی ما را در تلاش برای عمل به آموزه‌های سوره‌ی نیلوفر در زندگی روزمره نشان دهد، تا زندگی هلمان را غنی و ارزشمندتر کنیم مانند گل‌های سوره‌ی نیلوفری که در برگه‌ی گلین می‌شکند. هدف از ویرایش آنلاین قابل عمل‌تر کردن آیین بودا در زندگی‌های روزمره‌ی مردم سراسر جهان است. زیستن همچون نیلوفر با همکاری شعبه‌های خارج از کشور ریشو کوسی - کایی به چهارده زبان منتشر می‌شود. نشر آن در بعضی از زبان‌ها نامنظم است و برخی از شماره‌ها فقط حاوی راهنمایی رئیس نیوانو هستند. ما به سعی‌مان در بهتر کردن خبرنامه ادامه خواهیم داد و از حمایت مداوم و نظرات شما متشکریم.

فیلسوف ژاپنی نویوزو موری (۱۸۹۶-۱۹۹۲) گفت: «وقتی که واقعاً فهمیدم که فقط یک زندگی دارم، و نمی‌توانم دوبار زندگی کنم، قدرت اراده‌ی بزرگی در زندگی‌ام به دست آوردم.» او همچنین گفت که وقتی که خیلی خسته بود و نمی‌توانست چشم‌هایش را باز نگه دارد به خودش یادآور می‌شد که: «نمی‌توانم زندگی‌ام را دوباره تکرار کنم.» این باعث می‌شد احساس کند که وقتی پشت میز است آب سرد نشاط‌انگیزی روی تمام بدنش ریخته است. لطفاً در رفتارهای روزمره‌ی زندگی‌تان تأمل کنید. وقتی زیر نفوذ عواطف گذرا هستید، آیا قهر و شکایت نمی‌کنید، با این که می‌خواهید با همسران با مهربانی و آرامش صحبت کنید؟ با اولویت ندادن به چنین چیزهایی زمان با ارزش را تلف می‌کنید.

همه می‌دانیم که نمی‌توانیم دوباره همان زندگی را تکرار کنیم، اما تمایل داریم که فکر کنیم «بعداً می‌توانم این کار را بکنم» و کارهایی را که باید الان انجام بدهیم به تأخیر می‌اندازیم. بعد، چون نگرانیم که دیگری چه فکری ممکن است بکند، چیزی را که لازم است بگوییم، نمی‌گوییم و به آسانی با امواج می‌رویم. به معنی عبارت: «فقط یکبار می‌توانید زندگی کنید» فکر کنید. بعد به عمل کردن در این لحظه به آنچه که لازم است حالا انجام بدهید فکر کنید.

از کایسوزو/ایکان ۷ (شرکت نشر کوسی) صص ۲۳۴-۳۵

زیستن همچون نیلوفر
شماره‌ی ۱۰۰ (ژانویه ۲۰۱۴)

Published by Risho Kosei-kai International, Fumonkan, 2-6-1 Wada, Suginami-ku, Tokyo, 166-8537 Japan
TEL: +81-3-5341-1124
FAX: +81-3-5341-1224
Email: shanzai.rk-international@kosei-kai.or.jp

Senior Editor: Shoko Mizutani

Editor: Etsuko Nakamura

Copy Editor: Allan Carpenter,
Shigemitsu Takanashi

Editorial Staff: Mayumi Eto,
Sayuri Suzuki, Eriko Kanao,
Sizuyo Miura, Sachi Mikawa,
Yurie Nogawa, Yoshihiro Nakayama
and Bold Munkhtsetseg



گشودن چشم دل

نیچی کو نیوانو
رئیس ریشو کوسی - کایی



واقعاً هستند ببیند. شاید فکر کنیم که گشودن چشم دل کار سختی است اما در لحظه‌ای که واقعاً از چیزی آگاه می‌شویم دل و جانمان گشوده می‌شود. برای این است که آگاهی یعنی شنیدن صداها، خدایان و بوداها که از طریق چیزهای گوناگون صدایمان می‌کنند. و بعد، با معصومیت بچگانه، با خلوصی که جایی برای دلی شکاک و مفاهیمی از پیش انگاشته در آن نیست، می‌توانیم حساسیت‌مان را به چنین آگاهی تعالی ببخشیم. در چنین موردی دل و جانی مانند بچه در واقع دل و جان عمل به راه است.

چنان‌که یک بچه انجامش می‌دهد

«سال نو که شروع می‌شود / در حالی که از لذت‌های زیادی بهره‌مند می‌شوید، به نسل‌های آینده نگاه کنید.» درست همان‌طور که این شعر قدیمی ژاپنی به ما می‌گوید، امیدوارم که این سال نو را با هم با حس نوشدگی آغاز کنیم و روزها را یکی پس از دیگری در به وجد آمدن از درم سپری کنیم.

گرچه بعضی از مردم فکر می‌کنند که زندگی عملاً چندان ساده نیست — تکرار فعالیت‌های یکنواخت روزمره است، یا روزهایی یکی پس از دیگری از نبرد بی‌پایان. وقتی کسی چنین نگرشی به زندگی داشته باشد، واقعاً شاید این‌طور بشود. بیایید به موضوع از دیدگاهی کمی متفاوت نگاه کنیم.

این قطعه از رمان سیدارته از هرمان هسه را در نظر بگیرید: «جهان درست همان‌طور که بود، بدون این که چیزی از آن بخواهی و به روشنی آن را مشاهده کنی چنان‌که یک بچه انجامش می‌دهد، جهانی از زیبایی بود. ماه و ستارگان زیبا بودند... با چشم‌هایی چنین باز، با دلش گشوده به چیزهای نزدیکش، او این چنین در جهان قدم برمی‌داشت بدون هیچ شکی و این زیبا و دوست‌داشتنی بود.» دیدگاهی که این‌جا توضیح داده شده «به روشنی، چنان‌که یک بچه انجامش می‌دهد» در واقع راز از نو لذت بردن از هر روز است.

اغلب بچه‌های کوچک در مورد چیزهای ناآشنا از والدین‌شان می‌پرسند: «این چیه؟» وقتی به روشنی چیزها را می‌بینیم، با آن حس معصومانه، چشم‌هامان روی چیزی متوقف می‌شوند که قبلاً هرگز به آن توجه نکرده بودیم و این یک حس تعجب و شگفتی را در ما ایجاد می‌کند. همان‌طور که هسه توصیف می‌کند، اگر چیزی را که معمولاً می‌بینیم و به آن اهمیتی نمی‌دهیم، حس کنیم که زیباست، هر روز چقدر لذت‌بخش‌تر خواهد شد.

این آگاهی، گشودن چشم دل است به این که چیزها را چنان‌که

رنج می‌گذارد آگاه شویم

شانس را داریم که آگاهی‌مان را از این که چه چیزی بیش از حد ارزش دارد افزایش بدهیم.

نکته‌ی مهم دیگر این است که بدون این که در نظر بگیریم چه چیز موجب این آگاهی می‌شود نمی‌توانیم از چیزی آگاه شویم که در درون مان وجود ندارد. درست همان طور که صبح وقتی خورشید طلوع می‌کند بیدار می‌شویم، چشم‌هایمان به طور طبیعی به سمت چیزهایی کشیده می‌شوند که قبلاً هیچ‌وقت به آن‌ها توجه نکرده بودیم، این نه تنها به عمیق‌تر شدن عواطف و همدردی‌مان منجر می‌شود، بل که حتا به تغییراتی در دیدگاه ما از زندگی می‌انجامد. در همه‌ی این موارد که ملهم از برخوردی درمه‌وار هستند، چیزی از پیش در درون‌مان بیدار می‌شود.

به نقل از یک شعر اخلاقی: «اگر مردم بپرسند / در این جهان، / رنج چیست؟ /» به آن‌ها بگو: / «شناختن درمه از سوی مردم.» واقعاً هیچ چیز نمی‌تواند برای ما مهم‌تر از بیداری به این حقیقت باشد که ما به زندگی برانگیخته شدیم و وقتی با راستی زندگی کنیم، همیشه امکان دارد که به زندگی ادامه دهیم.

از کویی، دسامبر ۲۰۱۳.

در این معنا، در نوشتن کتابم، کوکورو نو ماناکو او هیراکو (گشودن چشم دل) امیدم این بود که هر خواننده از چیزی تازه آگاه شود و آن را بپذیرد. نامه‌ی از خانمی گرفتم که نوشته بود که چه طور وقتی که قسمتی از کتاب را خواند روش دیدن چیزها برایش تغییر کرد. او دوره‌ی سختی را می‌گذراند چون شوهرش بیمار بود و او اختلاف‌نظرهای زیادی را با مردم اطرافش تجربه می‌کرد. او به آخر خط رسیده بود. وقتی فهمید که نمی‌بایست مردم دیگر را برای رنج‌هایی سرزنش کند که او برای خودش ایجاد کرده و حرف‌های اطرافیانش را — حرف‌هایی که احساسات او را جریحه‌دار کرده و گیجش کرده بودند — می‌توان در واقع به عنوان حرف‌هایی برای تشویق تعبیر کرد، در لحظه‌ی عمیق‌ترین نومی‌اش نور روی او تابید و چشمانش از اشک شوق پر شد.

در عین حال که نمی‌خواهم به کتابم ببالم اما این موضوع از نو به من می‌آموزد که گشودن چشم دل باید درست این نوع آگاهی باشد. یعنی، دقیقاً وقتی که واقعاً در رنج هستیم زمانی است که این



لبخندها مثل گل‌هایی از بهشت‌اند

کوشو نیوانو

ریاست آینده‌ی ریشو کوسی - کایی

کاشتن بذر توانایی بزرگ

یک شب بعد از این که پسرم حمام کرد، خیلی طول داد تا از حمام بیرون بیاید. از پشت در صدایش کردم و پرسیدم: «اون تو چه خبره؟ زود باش خودتو خشک کن وگرنه سرما می‌خوری.» او جواب داد: «یه دقیقه، دارم همون کاری رو می‌کنم که تو می‌کنی، مامان!» از شیشه‌ی بخارگرفته نگاه کردم و دیدم که او با انرژی دارد با استفاده از یک کیسه‌ی شیشه‌پاک‌کن آب را از دیوارها و کف حمام پاک می‌کند.

«مامان تو همیشه این کارو می‌کنی، و می‌دونی، واقعاً خیلی جالبه!» فکر کردم، مامان این کار را خصوصاً برای جالب بودنش انجام نمی‌دهد، و با گفتن: «آره، شاید این‌طوره.» به طور مبهم جوابش را دادم.

اغلب به بچه‌ها گفته بودم که وقتی حمام می‌کنند، آخرین نفر خصوصاً باید آب‌هایی را که به اطراف پاشیده پاک کنند و طبیعتاً آن‌ها همیشه یک‌صدا می‌گفتند: «البته مامان!» اما کاری که واقعاً می‌کردند این بود که فقط سعی می‌کردند آخرین نفری نباشند که حمام می‌کند، پس خلاصه هیچ‌کس کار تمیز کردن را انجام نمی‌داد. این برای من نکته‌ی دردناکی شده بود.

بالاخره پسرم از حمام بیرون آمد و وقتی خودش را در حوله می‌پیچید گفت: «اما نگاه کن، وقتی این‌جوری می‌کنی و همه چیز تمیز و قشنگه، نفر بعدی که میره حموم خوشش می‌یاد، نه؟»

با تعجب گفتم: «خوب، عزیزم، اگه تو حالا اینو می‌فهمی، واقعاً یه چیزی یاد گرفتی!» خوشحال شده بودم چون مطمئن شدم که حداقل یکی از بچه‌ها حمام را تمیز خواهد کرد. درست آن موقع ناگهان موضوعی درباره‌ی بنیادگذار نیگیو نیوانو به خاطرم رسید.

«می‌دونی چیه؟ تو چیزی رو فهمیدی که بنیادگذار هم کشف کرده بودند.»

با نگاهی متعجب جواب داد: «چه چیزی؟»

«خوب، بذار برات بگم. خیلی وقت پیش، وقتی بنیادگذار هنوز رئیس ریشو کوسی - کایی بود، داشت با قطار سریع‌السیر شین‌کان‌سن سفر می‌کرد، و وقتی به دستشویی رفت متوجه شد که افراد قبلی که از دستشویی استفاده کرده بودند کاری برای تمیز نگه داشتن اونجا نکرده بودند. به ذهنش رسید که نفر بعدی که از دستشویی استفاده می‌کنه احساس راحتی خواهد کرد اگه اونجا مرتب باشه، پس شروع کرد و خودش اونجا رو تمیز کرد. می‌بینی، اون درست



بانو کوشو نیوانو، دختر بزرگ رئیس نیچی‌کو نیوانو، در توکیو به دنیا آمد. پس از فارغ‌التحصیل شدن در رشته‌ی حقوق از دانشگاه گاکوشواین، در مدرسه‌ی گاکورین - مؤسسه‌ی آموزشی برای رهبران ریشو کوبی - کایبی - تحصیل کرد. او در حال حاضر همان‌طور که در سوره‌ی نیلوفر مطالعه می‌کند به عنوان رئیس آینده کار می‌کند، برای شرکت‌کنندگان در مراسم مهم ریشو کوبی - کایبی سخنرانی می‌کند، و فعالیت‌های همکاری بین ادیان را در کشور و خارج از کشور اداره می‌کند. او که با عالیجناب مونه هیرو نیوانو ازدواج کرده، مادر یک پسر و سه دختر است.

مثل تو بود! تو حالا فهمیدی که نفر بعدی چه حسی داره. بنیادگذار هم همین‌طور. برای همین بود که اون خودش دستشویی رو تمیز کرد.»

پسرم با دقت به این داستان گوش می‌داد، و همین‌طور که به حالت جدی صورتش را نگاه می‌کردم فکر کردم که باید بیش‌تر با بچه‌ها از بنیادگذار حرف بزنم، حتا از کوچک‌ترین فرصتی استفاده کنم تا به آن‌ها بگویم که بنیادگذار چه شخص شگفت‌انگیزی بود. می‌خواستم بذرهایی در دل‌شان بکارم که وقتی دارند بزرگ می‌شوند به این آرزو برویند که بخواهند مانند او باشند.

«وای! واقعاً؟ منظورت اینه که بنیادگذار قبلاً رئیس بود؟ من فکر کردم پدر بزرگ تنها رئیسه!»

مجبور شدم بخندم که او چه‌طور نکته‌یی کاملاً متفاوت از آن چیزی را که مقصود من بود گرفته بود. اما عکس‌العملش توجه‌ام را به این حقیقت جلب کرد که اگر به بچه‌ها نگویم که بنیادگذار قبلاً رئیس بوده است، احتمال ندارد که آن‌ها بدانند. یا این حقیقت که اسم شناسنامه‌یی بنیادگذار شی‌کازو بود.

همه‌ی بچه‌ها این توانایی را دارند که زمانی در طول زندگی‌شان به بزرگسالان قابل‌تحسینی تبدیل شوند. در عین حال که از تمام تجربه‌هایی که در زندگی‌م با فرزندانمان دارم، لذت می‌برم، فهمیدم که باید به دقت آن بذرهایی توانایی بزرگ را که در تمام آن‌ها کاشته‌ام پرورش بدهم.

پذیرفتن چالش‌ها

خانم اریکو شیمابوکورو
دستیار گروه جوانان
مرکز درم‌هی اوکیناوا

گواهی دینی زیر در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۳ در مراسم تولد بنیادگذار ایراد شد.

شدم که از آن خانه برویم و به یک آپارتمان کوچک نقل مکان کنیم. فقط با مستمری معلولیت مادرم زندگی می‌کردیم. والدینم با جدیت در مرکز درم‌هی شرکت می‌کردند با این امید که وضعیت فقیرانه‌ی زندگی‌مان و شرایط مادر مریضم را بهتر کنند. در آن زمان چشمش ضعیف بود، و کپی بزرگنمایی شده‌ی از همه‌ی صفحه‌های سوره‌ی نیلوفر سه‌گانه درست کرده بود. او با تمام وجود آن‌ها را می‌خواند.

وقتی کلاس چهارم دبستان بودم، شروع کردم که به خاطر پدر و مادرم یاد بگیریم چه‌طور اسم‌های پس از مرگ را می‌نویسند چون آن‌ها نمی‌توانستند کلمات را بنویسند. وقتی کلاس ششم بودم، مادرم به من گفت که من باید سوره‌ی نیلوفر سه‌گانه را بخوانم، و من در تمرین از برخوانی نیمه‌ی زمستان شرکت کردم. هر ده روز یک‌بار کل سوره را به عنوان تمرین از برخوانی صبحگاهی می‌خواندم و در خانه عصرها از وقتی به راهنمایی رفتم. فکر می‌کردم که چرا باید این کار را بکنم، اما فکر کردم که اگر خواندن سوره را ادامه بدهم چیز خوبی بنا است اتفاق بیافتد. بعد پدرم به تدریج کار پیدا کرد و دیدم که مادرم از پدرم حمایت می‌کند، والدینم با شادی حرف می‌زدند و می‌خندیدند حتا با این که هنوز فقیر بودیم. به عنوان یک بچه وقتی می‌دیدم که آن‌ها این‌طور رفتار می‌کنند، شاد می‌شدم.

وقتی دانش‌آموز دبیرستان شدم هدفم ورود به دوره‌ی آمادگی مدرسه‌ی دینی گاکورین ریشو کوسی - کایی بود. فکر می‌کردم که آن‌جا عمیق‌تر آموزه را یاد خواهم گرفت، و اشخاصی از نسل خودم را نیز ملاقات خواهم کرد و دوستان مادام‌العمری پیدا خواهم کرد. هدفم واقعیت پیدا کرد و توانستم به کلاس ۱۹۹۶ گاکورین

وارد شوم. و وقتی در گاکورین بودم این شانس را پیدا کردم که مستقیماً با رئیس صحبت کنم. وقتی شنیدم که رئیس قرار است در «پیاده روی مؤساشینو» شرکت کنند که یکی از رخدادهای سالانه‌ی گاکورین است، فکر کردم که این فرصت عالی‌یی را برای حرف زدن مستقیم با او عرضه می‌کند، چون سال آخر دانشکده بودم و به دنبال کار می‌گشتم. پس جرأت را جمع کردم تا وقتی نزدیک او راه می‌رفتم با او حرف بزنم.

به او گفتم که دوست دارم در رسانه‌های ارتباط جمعی کار کنم و شخصی باشم که می‌تواند در اوکیناوا به جامعه کمک کند. بعد رئیس به من جواب دادند: «وقت‌هایی خواهد بود که چیزها باب

لطفاً همگی هدایت کنید. می‌خواهم از این فرصتی که به من داده شده تا در چنین روز بزرگی، در روز تولد بنیادگذار، گواهی دینی‌ام را با دیگران سهیم شوم سپاسم را بیان کنم.

من در ۱۹۷۷ در اوکیناوا، جنوبی‌ترین جزیره‌ی ژاپن به دنیا آمدم. تنها دختر پدری بودم که راننده‌ی تاکسی بود و مادری که رتینیتیس پیگمنتوزای مادرزادی داشت. اولین بار وقتی با ریشو کوسی - کایی روبه‌رو شدم که سال اول دبستان بودم. اگرچه والدینم خانه‌ی جدیدی ساخته بودند، پدرم کار نمی‌کرد و مادرم عصبانی بود که می‌دید او پیش شمنی در اوکیناوا می‌رود.

روزی مادرم همسایه‌یی را دید که گفت به کلیسا می‌رود. مادرم از او پرسید که آیا یک کلیسای مسیحی است؟ آن همسایه گفت که کلیسایی بودایی است که آن‌ها به او درباره‌ی احترام به نیاکان آموخته‌اند. مادرم فوراً به ریشو کوسی - کایی پیوست، با این باور که باید جای خوبی باشد چون آن‌ها به احترام به نیاکان عمل می‌کنند. و او به پدرم گفت که مرد شمنی در مرکز درم‌هی هست و او را تشویق کرد که به آن‌جا برود (کشیش مرکز درم‌هی اوکیناوا در آن زمان مرد بود، عالیجناب ناگاتو). بعد از این که پدرم سخنرانی درم‌هی عالیجناب ناگاتو را شنید، گفت که شمن آن مرکز خوب است و شروع کرد به شرکت کردن در مراسم آن‌جا.

اگرچه به ریشو کوسی - کایی پیوسته بودیم، اما پدرم هنوز کار نمی‌کرد و نمی‌توانست وام خانه را بدهد. بعد، بالاخره مجبور



سفر معنوی

عیادت کردیم. فکر کردم به ما اجازه نمی‌دهند که وارد اتاق شویم اما قربانی به ما اجازه داد که داخل شویم. او به ما گفت که نامه را خوانده است. بعد از نگاه کردن به صورت هایمان به پدرم گفت: «بدن‌تان خوب است؟» این اولین کلماتی بود که به ما گفت. ما همه با شنیدن حرف او به گریه افتادیم. چندین بار معذرت خواستیم و گفتیم از کاری که پدرم کرده بود بسیار متأسفیم. او سربرال پالزی دارد ولی فهمیدم که شخصی است که قلب مهربانی دارد. وقتی به کنار تختش نگاه کردم، CD را دیدم که رویش نوشته بود «عیسی مسیح». معلوم شد که مسیحی است.

چیزی به نظرم رسید: فکر کردم فقط چون او ایمان دینی دارد، توانسته است با پدرم، یعنی مجرم، با مهربانی حرف بزند. این باعث شد که به نگرشم درباره‌ی ایمان فکر کنم. فکر می‌کردم که اگر سوره‌خوانی را انجام بدهم جلوی چیز بدی گرفته می‌شود؛ اگر مدام در مرکز درمه شرکت کنم، به چیز خوبی منجر خواهد شد، دل دینی‌ام را پرورش داده بودم که فقط در انتظار نتایج و پدیده‌های خوب باشد. این درست نبود. باید هر چیزی را که برایمان رخ می‌دهد بپذیریم و دلمان را به شکلی مثبت تغییر بدهیم. فهمیدم که این اهمیت حقیقی دین داشتن است، توانستم آن چیزی را که دستیار کشیش قبلاً به من گفته بود درک کنم و به این آموزه فکر کردم که بودا هیچ‌وقت چالشی را به ما نمی‌دهد که نتوانیم بر آن غلبه کنیم و این که چقدر به این وضعیت مرتبط است.

در مورد نتیجه‌ی دادگاه باید بگویم که دادگاه به پدرم حکم تعلیقی داد و شش ماه دادخواهی بالاخره تمام شد. از آن به بعد من و پدرم ماهی یک بار از قربانی در بیمارستان عیادت کردیم. به خاطر تصادفی که پدرم باعث شد، من توانستم نگرشی را یاد بگیرم که مردم دین دار باید داشته باشند. می‌خواهم از قربانی صمیمانه قدردانی کنم که به بهای سلامتی جسمش این را به ما آموخت.

پس از مدتی سرطان پدرم برگشت. او در ۲۰۰۸ در ۷۴ سالگی درگذشت. او حتی یک روز تمرین از برخوانی سوره در صبح و شب را از دست نداد و هر روز صبح ساعت ۶ با مادرم از مرکز درمه دیدن می‌کرد. وقتی عناوین درمه‌ی بنیادگذار و بنیادگذار همکار را دریافت کردیم تا در محراب خانوادگی در خانه بگذاریم، آن‌ها را پیش او به بیمارستان بردیم. او از دیدن‌شان شاد شد و چندین بار تکرار کرد که: «متشکرم.» این خاطره‌ی است که هیچ‌گاه نمی‌توانم فراموش کنم. به خاطر پدرم که عاشق ریشو کوسی - کای بود، من می‌توانم این‌جا باشم و امروز تجربه‌ی دینی‌ام را در برابر بودای جاودان شاکیه مؤنی در تالار مقدس بزرگ با شما سهیم شوم. پدر، از تو بسیار متشکرم.

حالا من به عنوان دستیار گروه‌های جوانان در مرکز درمه منصوب شدم و تحت هدایت کشیش مرکز عالیجناب هیرونوبو سوزوکی خودم را وقف فعالیت‌های گروه‌های جوانان می‌کنم. عالیجناب سوزوکی همیشه به ما می‌گویند که در هر شرایطی با اعضای دیگر جمع شویم. تعداد اعضای فعال آنقدر کم است که می‌توانی با انگشتانت آن‌ها را بشماری. و وقتی از خانه‌ی اعضا دیدن می‌کنیم، عصبی می‌شویم و شاید برخوردمان آنقدر که آرزو

میل تو نیست.» انتظار داشتیم او تشویق کند و هنوز به یاد می‌آورم که از حرف‌های به دور از انتظار او چقدر گیج شدم. بعداً معلوم شد که من در عوض حرفه‌ی به عنوان مددکار اجتماعی پزشکی پیدا کردم و توانستم در بیمارستان محلی کار پیدا کنم. از طریق حرف‌های رئیس توانستم درک کنم که حتی اگر آن چیزی نباشد که آرزوی ما را داشتیم این فرصت را خواهیم داشت که چیزی را پیدا کنیم که واقعاً مناسب ماست. من همکاران عالی‌یی دارم و به کاری که حالا می‌کنم افتخار می‌کنم.

چند واقعه‌ی فراموش‌نشده‌ی هست که زندگی‌ام را شدیداً تغییر دادند.

یک روز ناگهان مدرکی از دادگاه به خانه‌ی ما آوردند. وقتی پاکت را باز کردم دیدم که کلمه‌ی «مدافع» بعد از اسم پدرم روی آن مدرک نوشته شده بود. ذهنم کاملاً خالی شد. وقتی پدرم تاکسی می‌راند، به عابری که از خیابان عبور می‌کرد توجه نکرده بود و باعث تصادف شده بود. قربانی سربرال پالزی مادرزادی داشت. به سرش ضربه خورد و به شدت صدمه دید. اگرچه زندگی‌اش را نجات دادند اما تصادف باعث شد که نتواند راه برود. زندگی‌اش به صندلی چرخدار الکتریکی محدود شد. عواقب جدی برایش پیش آمد. شرکت بیمه خسارت‌های او را پرداخت کرد اما خانواده‌ی آن قربانی از پدرم شکایت کردند چون فکر می‌کردند که پدرم هیچ نشانه‌ی از پشیمانی از کاری که کرده بود نشان نداده است. من در وجود رحم خدایان و بودا شک کردم. چرا این اتفاق برای پدرم افتاد که هر روز به مرکز درمه می‌رفت و تمرین از برخوانی صبح و شب را هرگز از دست نمی‌داد؟ باور داشتم که تا زمانی که به مرکز درمه بروم همه چیز خوب و مرتب خواهد بود، اما ظاهراً این اصلاً درست نبود.

درست پیش از تصادف تشویق کرده بودند که در سمینار رهبران جوانان شرکت کنم و من پذیرفته بودم. به طور نامنتظری، بودا ترتیب شرکت‌ام را در بدترین شرایط ممکن داده بود. وقتی سمینار شروع شد پدرم شروع کرد به شکایت از این که حالش بد است. در بیمارستان معاینه‌اش کردند و متوجه شدند که سرطان پیشرفته‌ی روده‌ی بزرگ دارد. تاریخ برنامه‌ریزی‌شده برای دادگاه آن سانحه‌ی رانندگی به تأخیر افتاد، و پدرم را جراحی کردند تا سرطان را از بین ببرند. من و مادرم روزهایی را برای آماده شدن برای دادگاه و عیادت او گذرانیدیم. در طی آن زمان دستیار کشیش به من گفت که بودا هرگز چالش‌هایی را به ما نمی‌دهد که نتوانیم بر آن‌ها غلبه کنیم، و حرف‌های او به ما دلگرمی داد. یک‌بار در ماه من به مرکز درمه‌ی یاشیرو در استان کوماموتو می‌رفتم و با صحبت کردن درباره‌ی دادگاه و بیماری پدرم توانستم در دلم احساس آرامش کنم.

قبل از دادگاه، وکیل در طی یک ملاقات توصیه کرد که پدرم نامه‌ی به قربانی بنویسد، من که از طرف پدرم می‌نوشتم در نامه از این که او باعث تصادف شده بود معذرت خواستم و از این که دادگاه به خاطر جراحی پدرم به تعویق افتاده بود. و در پایان نامه نوشتیم که می‌خواهم از قربانی در بیمارستان عیادت کنم.

پیش از اولین دادگاه من و والدینم از قربانی در بیمارستان

داریم به خوبی پیش نمی‌رود اما اعضای مرکز درم همیشه تشویق‌مان می‌کنند. به خاطر حمایت آن‌ها، دو سال پیش ۴۷ نفر از اعضا در جلسه‌ی آموزشی خاص برای گروه‌های مردان جوان و زنان جوان در جزیره‌ی می‌یاکو شرکت کردند. و سال گذشته عمدتاً اعضای گروه‌های جوانان در جشن اوئه‌شیکی ایچی جو (یک گردونه) شرکت کردند که در ساختمان‌های اصلی در توکیو برگزار شد. اولین باری که نقشی به من داده شد، قویاً باور داشتم که باید کاری در آن مورد بکنم و گاهی عصبانیتم را به پنج سرپرست گروه‌های جوانان منتقل می‌کردم. اما همان‌طور که به نقشم ادامه می‌دادم کم‌کم دلم تغییر کرد و شروع کردم احساس کنم که به طریقی از پس آن برمی‌آیم. یکی از چیزهایی که واقعاً از آن متشکرم روشی است که همه‌ی مرکز درم اعضای گروه‌های جوانان را حمایت می‌کنند. بدون تشویق‌های عالیجناب سوزوکی و اعضای سنگه هیچوقت قادر نمی‌بودم نقشم را انجام بدهم.

ماه گذشته، این فرصت به ما داده شد که در جشن محل تولد بنیادگذار در شهر توکاماچی، استان نی‌ایگاتا شرکت کنیم و رقص سنتی اوکیناوا که ای‌سا خوانده می‌شود را اجرا کردیم، در عین حال که بچه‌ها پرچم سنتی آتش‌نشان‌ها یعنی ماتوئی را تکان می‌دادند. هر کدام از ما با جدیت نقشش را انجام می‌داد و دیدن آن‌ها که با شتاب در جاهای خاص‌شان تمرین می‌کنند مرا بسیار تشویق کرد و باعث شد بفهمم آن‌ها چقدر قابل اعتماد هستند. این زمانی که برای یک هدف با هم گذرانیدم پیوندهای میان اعضا را قوی‌تر کرد. آموختم که این یکی از نکوردهای بزرگی بود که دریافت کردم.

از وقتی که به نقشم منصوب شدم دو فرصت بزرگ داشتم. یکی این است که تشخیص داده‌اند که نارسایی بینایی پیش‌رونده‌ی دارم که هر دو میکولر دیستروفی خوانده می‌شود همان که مادرم دارد. به من توضیح دادند که این نارسایی ارثی است. متوجه شدم که متمرکز کردن چشم سخت است و برایم سخت‌تر می‌شود که نوشته‌های مدادی را بخوانم. پس گاهی در مورد آینده‌ام احساس ناراحتی می‌کنم. اما یک روز در جلسه‌ی هوزای عصر، وقتی در مورد شرایط صحبت کردم یکی از اعضای گروه مردان که همسرش را به علت سرطان از دست داده بود، در حالی که سعی می‌کرد جلوی اشک‌هایش را بگیرد به من گفت: «از این مشکل نخواهی مرد.» حرف‌اش به من امید داد که به زندگی ادامه بدهم. الگویی برای پیروی هم دارم، مادرم. او حالا کاملاً نابیناست، اما همه‌ی کارهای خانه را به تنهایی انجام می‌دهد. اگرچه او مدت طولانی نارسایی بینایی داشت اما یکدلانه بزرگم کرد. می‌خواهم با این نارسایی زندگی‌ام را پیش ببرم و زندگی را به قدرانی از مادرم که بزرگم کرد پیشکش کنم.

فرصت دیگر ازدواج قریب‌الوقوع است. عالیجناب سوزوکی مرا به یکی از اعضای گروه جوانان مرکز درم‌ی کاوااچی در استان کاگوشیما معرفی کرد و ماه دیگر نامزد می‌کنم. سال آینده به

خانه‌ی او در کاگوشیما نقل‌مکان می‌کنم. نگران مادرم بود اما او به من گفت که مادر من تنها کسی از والدین‌مان است که برایمان مانده و او دوست دارد که برای مادرم مثل فرزند باشد. چون او نتوانست کار زیادی برای والدینش بکند می‌خواهد از مادر من مراقبت کند. مادرم هم به کاگوشیما نقل‌مکان می‌کند. سرشار از سپاسم که می‌توانم فصل تازه‌ی در زندگی‌م با ترتیبات مبارک بودا آغاز کنم.

از بعضی از حرف‌های بنیادگذار به عنوان حمایت ذهنی استفاده می‌کنم. عالیجناب سوزوکی قطعه‌ی را با عنوان «پذیرفتن چالش‌ها» از کتاب افکار بدون ترتیب بنیادگذار با من در میان گذاشت. می‌گوید:

«برای انجام کاری حتماً اگر کمی تردید دارید، آن را بپذیرید و حداکثر تلاش‌تان را بکنید. این ما را قادر می‌کند که نگاه تازه‌ی به چیزها بکنیم و روش‌های نوی اندیشه را شکل دهیم، و حس کنیم که به بلوغ رسیده‌ایم... می‌توانیم هرگونه شخص یا موقعیتی را بپذیریم و آن‌ها به صورت بهتری تغییر دهیم. آیا این همان چیزی نیست که مردم دین‌دار باید انجام بدهند؟ و این به رشد واقعی می‌انجامد.»

من که تحت تأثیر این سخنان قرار گرفتم این اصل پذیرفتن چالش‌ها را به عنوان یک آرمان گران‌بها حفظ می‌کنم.

نمی‌دانم چه چیزی در انتظارم است. ازدواج، نقل‌مکان به کاگوشیما، بیماری — همه چیز تازه شروع شده است. اگر با آموزه روبرو نشده بودم، نمی‌توانستم کسی باشم که اکنون هستم. در آخر، می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و امروز گواهی‌ام را با این سوگند پایان ببرم که تا جایی که ممکن است زندگی‌ام را وقف خدمت به مردم می‌کنم. از توجه مهربانانه‌ی همگی متشکرم.



خانم شیما‌بؤکورو با یکی از کارمندان مرکز درم‌ی اوکیناوا صحبت می‌کند.

سوگند خوردن در سال پنجاه و یکم

سال نو مبارک! امسال پنجاهمین سالگرد وقف تالار مقدس بزرگ است. رئیس نیوانو در هدایت درمه‌شان برای سال نو رهنمودهایی برای عمل به ایمان اعضا به ما دادند، و از سالی که در پیش است به عنوان آستانه‌ی پنجاه و یکمین سالگرد وقف تالار یاد کردند.

روحیه‌ی بنیادگذار در زمانی که سازمان‌مان را تأسیس می‌کرد و آرزوی ساختن تالار مقدس بزرگ را داشت، رها کردن مردم و بهبود جهان از طریق گسترش روح حقیقی آیین بودا بود چنان که در سوره‌ی نیلوفر نگهداری می‌شود. در سخنرانی درمه‌ی رئیس آرزویش این است که ما فقط این سالگرد را جشن نگیریم، بل که روحیه و آرزوی بنیادگذار را از آن خود کنیم. باور داریم که این واقعاً آرزوی رئیس است.

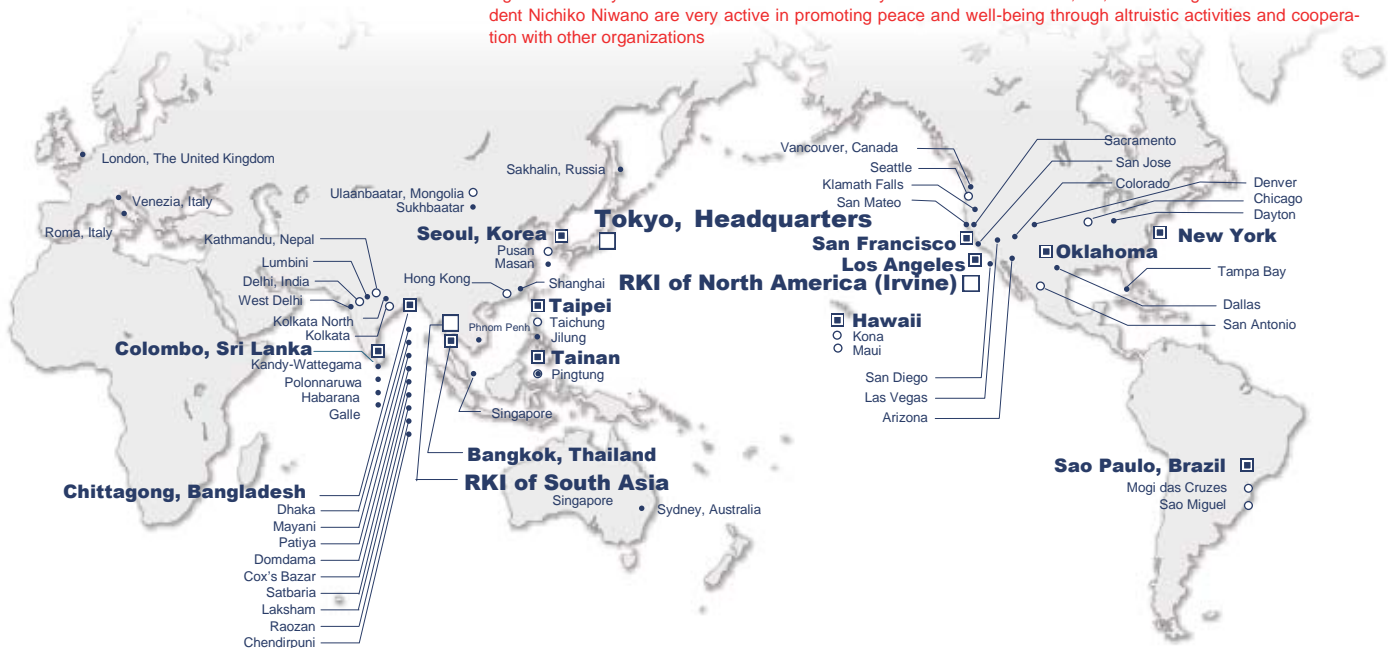
سوره‌ی نیلوفر از آموزه‌ی تشکیلی شده که ترغیب‌مان می‌کند از درون به این آرزوی عمیق بودا بیدار شویم که سرشت بودا را در همه‌ی جانداران آشکار کنیم. در این سال پنجاهمین سالگرد، بیاید صادق‌تر و جدی‌تر پیگیر مطالعه و عمل درمه باشیم. مطمئنم که مردم زیادی هستند که در کشور شما منتظر آموزه‌های بودا هستند. بیاید مردمی باشیم که می‌توانند آموزه‌های ریشو کوسی - کایی را تا جای ممکن با مردم دیگر سهیم شوند.

عالیجناب شوکو میزوتانی
مدیر ریشو کوسی - کایی بین‌المللی



Rissho Kosei-kai

Rissho Kosei-kai is a lay Buddhist organization whose holy scripture is the Threefold Lotus Sutra. It was established by Founder Nikkyo Niwano and Co-founder Myoko Naganuma in 1938. This organization is composed of ordinary men and women who have faith in the Buddha and strive to enrich their spirituality by applying his teachings to their daily lives. At both the local community and international levels, we, under the guidance of the President Nichiko Niwano are very active in promoting peace and well-being through altruistic activities and cooperation with other organizations



RISSHO KOSEI-KAI INTERNATIONAL BRANCHES

Rissho Kosei-kai Overseas Dharma Centers

2014

Rissho Kosei-kai International

5F Fumon Hall, 2-6-1 Wada, Suginami-ku, Tokyo, Japan
Tel: 81-3-5341-1124 Fax: 81-3-5341-1224

Rissho Kosei-kai International of North America (RKINA)

2707 East First Street Suite #1 Los Angeles
CA 90033 U.S.A.
Tel: 1-323-262-4430 Fax: 1-323-262-4437
e-mail: info@rkina.org http://www.rkina.org

Branch under RKINA

Rissho Kosei-kai of Tampa Bay
2470 Nursery Rd. Clearwater, FL 33764, USA
Tel: (727) 560-2927
e-mail: rktampabay@yahoo.com
http://www.buddhismtampabay.org/

Rissho Kosei-kai International of South Asia (RKISA)

201 Soi 15/1, Praram 9 Road, Bangkapi, Huaykhwang
Bangkok 10310, Thailand
Tel: 66-2-716-8141 Fax: 66-2-716-8218
e-mail: thairissho@csloxinfo.com

Rissho Kosei-kai Buddhist Church of Hawaii

2280 Auhuhu Street, Pearl City, HI 96782, U.S.A.
Tel: 1-808-455-3212 Fax: 1-808-455-4633
e-mail: info@rkhawaii.org http://www.rkhawaii.org

Rissho Kosei-kai Maui Dharma Center
1817 Nani Street, Wailuku, HI 96793, U.S.A.
Tel: 1-808-242-6175 Fax: 1-808-244-4625

Rissho Kosei-kai Kona Dharma Center
73-4592 Mamalahoa Highway, Kailua-Kona, HI 96740, U.S.A.
Tel: 1-808-325-0015 Fax: 1-808-333-5537

Rissho Kosei-kai Buddhist Center of Los Angeles

2707 East First Street, Los Angeles, CA 90033, U.S.A.
Tel: 1-323-269-4741 Fax: 1-323-269-4567
e-mail: rk-la@sbcglobal.net http://www.rkina.org/losangeles.html

Rissho Kosei-kai Buddhist Center of San Antonio
6083 Babcock Road, San Antonio, TX 78240, U.S.A.
Tel: 1-210-561-7991 Fax: 1-210-696-7745
e-mail: dharmasanantonio@gmail.com
http://www.rkina.org/sanantonio.html

Rissho Kosei-kai Buddhist Center of Arizona

Rissho Kosei-kai Buddhist Center of Colorado

Rissho Kosei-kai Buddhist Center of San Diego

Rissho Kosei-kai Buddhist Center of Las Vegas

Rissho Kosei-kai of San Francisco

1031 Valencia Way, Pacifica, CA 94044, U.S.A.
Tel: 1-650-359-6951 Fax: 1-650-359-6437
e-mail: info@rksf.org http://www.rksf.org

Rissho Kosei-kai of Seattle's Buddhist Learning Center
28621 Pacific Highway South, Federal Way, WA 98003, U.S.A.
Tel: 1-253-945-0024 Fax: 1-253-945-0261
e-mail: rkseattle@juno.com
http://www.buddhistLearningCenter.com

Rissho Kosei-kai of Sacramento

Rissho Kosei-kai of San Jose

Rissho Kosei-kai of Vancouver

Rissho Kosei-kai of New York

320 East 39th Street, New York, NY 10016, U.S.A.
Tel: 1-212-867-5677 Fax: 1-212-697-6499
e-mail: rkny39@gmail.com http://rk-ny.org/

Rissho Kosei-kai of Chicago

1 West Euclid Ave., Mt. Prospect, IL 60056, U.S.A.
Tel: 1-773-842-5654
e-mail: murakami4838@aol.com
http://home.earthlink.net/rkchi/

Rissho Kosei-kai Dharma Center of Oklahoma

2745 N.W. 40th Street, Oklahoma City, OK 73112, U.S.A.
Tel & Fax: 1-405-943-5030
e-mail: ok.risshokoseikai@gmail.com http://www.rkok-dharmacenter.org

Rissho Kosei-kai Buddhist Center of Dallas

Rissho Kosei-kai Buddhist Center of Klamath Falls

1660 Portland St. Klamath Falls, OR 97601, U.S.A.

Rissho Kosei-kai, Dharma Center of Denver

1571 Race Street, Denver, Colorado 80206, U.S.A.
Tel: 1-303-810-3638

Rissho Kosei-kai Dharma Center of Dayton

635 Kling Dr, Dayton, OH 45419, U.S.A.
http://www.rkina-dayton.com/

Rissho Kosei-kai do Brasil

Rua Dr. José Estefno 40, Vila Mariana, São Paulo-SP,
CEP 04116-060, Brasil
Tel: 55-11-5549-4446 / 55-11-5573-8377
Fax: 55-11-5549-4304
e-mail: risho@terra.com.br http://www.rkk.org.br

Rissho Kosei-kai de Mogi das Cruzes

Av. Ipiranga 1575-Ap 1, Mogi das Cruzes-SP,
CEP 08730-000, Brasil
Tel: 55-11-5549-4446/55-11-5573-8377

Rissho Kosei-kai of Taipei

4F, No. 10 Hengyang Road, Zhongzheng District, Taipei City 100, Taiwan
Tel: 886-2-2381-1632 Fax: 886-2-2331-3433
http://kosei-kai.blogspot.com/

Rissho Kosei-kai of Taichung

No. 19, Lane 260, Dongying 15th St., East Dist.,
Taichung City 401, Taiwan
Tel: 886-4-2215-4832/886-4-2215-4937 Fax: 886-4-2215-0647

Rissho Kosei-kai of Tainan

No. 45, Chongming 23rd Street, East District, Tainan City 701, Taiwan
Tel: 886-6-289-1478 Fax: 886-6-289-1488

Rissho Kosei-kai of Pingtung

Korean Rissho Kosei-kai

423, Han-nam-dong, Young-San-ku, Seoul, Republic of Korea
Tel: 82-2-796-5571 Fax: 82-2-796-1696
e-mail: krkk1125@hotmail.com

Korean Rissho Kosei-kai of Pusan

1258-13, Dae-Hyun-2-dong, Nam-ku, Kwang-yok-shi, Pusan,
Republic of Korea
Tel: 82-51-643-5571 Fax: 82-51-643-5572

Branches under the Headquarters

Rissho Kosei-kai of Hong Kong

Flat D, 5/F, Kiu Hing Mansion, 14 King's Road,
North Point, Hong Kong,
Special Administrative Region of the People's Republic of China
Tel & Fax: 852-2-369-1836

Rissho Kosei-kai of Ulaanbaatar

15f Express tower, Enkh taiwnii urgun chuluu, 1st khoroo, Chingeltei district, Ulaanbaatar, Mongolia
Tel: 976-70006960
e-mail: rkkmongolia@yahoo.co.jp

Rissho Kosei-kai of Sakhalin

4 Gruzinski Alley, Yuzhno-Sakhalinsk
693005, Russian Federation
Tel & Fax: 7-4242-77-05-14

Rissho Kosei-kai of Roma

Via Torino, 29-00184 Roma, Italia
Tel & Fax : 39-06-48913949
e-mail: roma@rk-euro.org

Rissho Kosei-kai of the UK**Rissho Kosei-kai of Venezia**

Castello-2229 30122-Venezia Ve Italy

Rissho Kosei-kai of Paris

86 AV Jean Jaures 93500 Tentin Paris, France

Rissho Kosei-kai of Sydney**International Buddhist Congregation (IBC)**

5F Fumon Hall, 2-6-1 Wada, Suginami-ku, Tokyo, Japan
Tel: 81-3-5341-1230 Fax: 81-3-5341-1224
e-mail: ibcrk@kosei-kai.or.jp <http://www.ibt-rk.org/>

Rissho Kosei-kai of South Asia Division

5F Fumon Hall, 2-6-1 Wada, Suginami, Tokyo, 166-8537, Japan
Tel: 81-3-5341-1124 Fax: 81-3-5341-1224

Thai Rissho Friendship Foundation

201 Soi 15/1, Praram 9 Road, Bangkok, Huaykhwang
Bangkok 10310, Thailand
Tel: 66-2-716-8141 Fax: 66-2-716-8218
e-mail: info.thairissho@gmail.com

Rissho Kosei-kai of Bangladesh

85/A Chanmari Road, Lalkhan Bazar, Chittagong, Bangladesh
Tel & Fax: 880-31-626575

Rissho Kosei-kai of Dhaka

House No.467, Road No-8 (East), D.O.H.S Baridhara,
Dhaka Cant.-1206, Bangladesh
Tel: 880-2-8413855

Rissho Kosei-kai of Mayani

Maitree Sangha, Mayani Bazar, Mayani Barua Para, Mirsarai,
Chittagong, Bangladesh

Rissho Kosei-kai of Patiya

Patiya, sadar, Patiya, Chittagong, Bangladesh

Rissho Kosei-kai of Domdama

Domdama, Mirsarai, Chittagong, Bangladesh

Rissho Kosei-kai of Cox's Bazar

Ume Burmese Market, Main Road Teck Para, Cox'sbazar, Bangladesh

Rissho Kosei-kai of Satbaria

Satbaria, Hajirpara, Chandanish, Chittagong, Bangladesh

Rissho Kosei-kai of Laksham

Dupchar (West Para), Bhora Jatgat pur, Laksham, Comilla,
Bangladesh

Rissho Kosei-kai of Raozan

West Raozan, Ramjan Ali Hat, Raozan, Chittagong, Bangladesh

Rissho Kosei-kai of Chendirpuni

Chendirpuni, Adhunagor, Lohagara, Chittagong, Bangladesh

Rissho Kosei-kai Dhamma Foundation, Sri Lanka

382/17, N.A.S. Silva Mawatha, Pepiliyana, Boralessgamuwa, Sri Lanka
Tel & Fax: 94-11-2826367

Rissho Kosei-kai of Polonnaruwa**Rissho Kosei-kai of Habarana**

151, Damulla Road, Habarana, Sri Lanka

Rissho Kosei-kai of Galle**Rissho Kosei-kai of Kandy****Branches under the South Asia Division****Delhi Dharma Center****Rissho Kosei-kai of West Delhi**

66D, Sector-6, DDA-Flats, Dwarka
New Delhi 110075, India

Rissho Kosei-kai of Kolkata

E-243 B. P. Township, P. O. Panchasayar,
Kolkata 700094, India

Rissho Kosei-kai of Kolkata North

AE/D/12 Arjunpur East, Teghoria, Kolkata 700059,
West Bengal, India

Rissho Kosei-kai of Kathmandu

Ward No. 3, Jhamsilhel, Sancepa-1, Lalitpur,
Kathmandu, Nepal
Tel: 977-1-552-9464 Fax: 977-1-553-9832
e-mail: nrkk@wlink.com.np

Rissho Kosei-kai of Lumbini

Shantiban, Lumbini, Nepal

Rissho Kosei-kai of Singapore**Rissho Kosei-kai of Phnom Penh**

#201E2, St 128, Sangkat Mittapheap, Khan 7 Makara,
Phnom Penh, Cambodia

Other Groups**Rissho Kosei-kai Friends in Shanghai**